



دوماهنامه بین‌المللی

د ۱۵، ش ۲ (پیاپی ۸۰)، خرداد و تیر ۱۴۰۳، صص ۴۹۵-۵۲۲

مقاله پژوهشی

https://lrr.modares.ac.ir/article_28127.html

دیرینه‌شناسی ترجمه با تأکید بر نظام گفتمانی فوکویی و فرایند در زمانی و هم‌زمانی

مهرگان نظامی‌زاده*

عضو علمی گروه فرانسه، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۳

چکیده

مسئله اصلی این نوشتار، نخست اعاده مفهوم دیرینه‌شناسی در مطالعات ترجمه از حوزه تاریخی صرف به حوزه نقد ترجمه براساس رویکرد گفتمانی است. هدف نگارنده ارائه روشی برای آشکار ساختن بنیان‌های تأثیرگذار در تبلور متن ترجمه است. برای این منظور آموزه‌های فوکو در کتاب *دیرینه‌شناسی دانش* و سایر نظریه‌پردازان حوزه گفتمان مورد توجه قرار می‌گیرد. متن ادبی نیز گفتمانی با عبارات مگو و نانوشته است که خوانش شرایط گفتمانی را برای اخذ معنا ایجاب کند. تلاش‌های زیادی در این زمینه صورت گرفته است که نقطه تلاقی نظریه‌های بسیاری از جمله نشانه‌شناسی روابط بینامتنی روایت‌شناسی تلقی می‌شوند و متن ترجمه نیز می‌تواند به نوبه خود، بضاعت‌های نظری‌اش را با آن‌ها همراه سازد. در این مقاله روشی پیشنهاد می‌شود که با بهره‌گیری از تمامی حوزه‌های ذیربط براساس خوانش گفتمانی و تحلیل انتقادی آن ظهور نانوشته‌های متن را در پی دارد. دستاورد اصلی چنین روشی همانا شناسایی بنیان‌های تشکیل‌دهنده متن ترجمه و تعمیق آن‌هاست؛ بنیان‌هایی که در مسائل اجتماعی، سیاسی فرهنگی اعتقادی و غیره جامعه، حتی کیفیت زبان مقصد و آموزش زبان خارجی و رویکردهای ترجمانی دوره مترجم ریشه دارند. در نتیجه، پژوهش حاضر تلفیقی است از نظریه‌های گفتمانی دریافت پذیرش و مقبولیت اثر ترجمه‌شناسی که پس از تجزیه و تحلیل متن ترجمه به فرامتن و شناسایی آن می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: دیرینه‌شناسی ترجمه، ترجمه‌شناسی برمن، فوکو، گفتمان، نظریه دریافت، بینامتنیت.

۱. مقدمه

ترجمه به‌عنوان یکی از رشته‌های علوم زبانی انعکاس‌دهندهٔ بسیاری از زمینه‌های مرتبط است. نظریه‌های ترجمه‌شناختی هر یک از زاویهٔ خاصی به این موضوع پرداخته‌اند؛ برخی با رویکرد زبان‌شناختی، برخی با رویکرد هرمنوتیک، برخی با رویکرد ایدئولوژیک، تعدادی با رویکرد شعرانگی، تعدادی با رویکرد متن‌وارگی، گروهی با رویکرد نشانه‌شناختی، گروهی با رویکرد ارتباطی و دسته‌ای نیز با رویکرد علوم شناختی وارد این حوزه شده‌اند.

ما نیز به سهم خود سعی داریم طی این مقاله حاصل بیش از یک دهه تحقیق و تدریس در این حوزه را با تعریف مشخصی از دیرینه‌شناسی ترجمه،^۱ به‌عنوان روش جدیدی در نقد ترجمه‌شناسی مطرح کنیم. براساس تعریف ما دیرینه‌شناسی ترجمه، روشی است در حوزهٔ نقد ترجمه‌شناسی با هدف دستیابی به خوانش گفتمانی مترجم و شناخت عوامل برون‌متن و درون‌متن. مهم‌ترین کارکردهای این علم، مطالعه تطبیقی ترجمه، تحلیل آن براساس تئوری‌های ترجمه، آشکار کردن رویکردهای اصلی مترجم، نگاه او به متن و سبک اثر و تأثیرات وی از عوامل برون‌متنی است. هدف این دانش جدید با تکیه بر تأملات میشل فوکو در کتاب *دیرینه‌شناسی دانش*^۲ از یک سو، بررسی و دستیابی به بنیان‌هایی است که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در ترجمه تبلور یافته‌اند و از سوی دیگر، هدایت و مطالعهٔ بازتاب‌های عواملی است که از این منبع انعکاس می‌یابند. بنابراین هر چند در این روش خود ترجمه نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد، ولی غایت این علم تلقی نمی‌شود. از این رو، دستاورد دیرینه‌شناسی ترجمه، شناسایی بررسی و بارور ساختن تمامی حوزه‌های مرتبط با ترجمه، ازجمله تاریخ، فلسفه، علوم اجتماعی، ادبیات، زبان‌شناسی، علوم سیاسی، ترجمه‌شناسی، حوزه‌های هنری فرهنگی و دینی و غیره است. نظر به اینکه یک ترجمه در دوره‌های متفاوت، توسط مترجمان مختلف انجام می‌شود و گروه‌های اجتماعی مختلفی آن را می‌خوانند. خوانش‌ها و برداشت‌های متفاوتی نیز از یک متن مطرح می‌شود. حتی ممکن است از یک اثر، ترجمه‌های متعدد و چه‌بسا متفاوتی نیز انجام شده باشد که این تفاوت‌ها به‌طور حتم تابعی است از شرایط گفتمانی یعنی موقعیت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اعتقادی و ادبی و دانش ترجمانی عصری که مترجم و مخاطبان وی در آن زندگی می‌کنند.

از طرفی شرایط گفتمانی یادشده در اثر اصلی نیز منعکس و قابل وصول هستند؛ شرایط و وضعیتی

نظیر بافت اجتماعی و تمامی مسائل مربوط به آن، اطرافیان و خانواده، دیدگاه‌های شخصی نویسنده، دیدگاه و شیوه تفسیر وی نسبت به جهان بیرونی و غیره به عنوان متغیرهایی که یک متن را از متن‌های دیگر متمایز می‌سازند.

مخاطبان ترجمه و اثر اصلی نیز در زمره عوامل و شرایط مذکور تلقی می‌شوند و مطالعه شرایط فردی و اجتماعی آن‌ها نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ یعنی طبقه اجتماعی، گرایش‌های سیاسی، مذهبی، ادبی و غیره آن‌ها.

ما در این روش، مراتب یادشده را با تکیه بر خوانش گفتمانی و تحلیل انتقادی گفتمان، از نظر مقبولیت و یا دریافت اثر^۲ در مکتب کنستانس^۳ با دو قید در زمانی و هم‌زمانی و همچنین روش نقد ترجمه^۴ انتوان برمن در کتاب تأملی بر نقد ترجمه^۵ و منابع حوزه‌های مربوطه مورد بررسی قرار می‌دهیم و در انتها نیز در قالب طرحی پیشنهادی، نتایج چند پژوهش دیرینه‌شناسی را به عنوان نمونه ارائه می‌کنیم.

بنابراین مسئله اصلی این پژوهش ارائه روش نوینی تحت عنوان دیرینه‌شناسی ترجمه است و سعی می‌شود به این سؤال پاسخ داده شود که چگونه دیرینه‌شناسی ترجمه می‌تواند به عنوان یک کنش گفتمانی سازوکار، نقد ترجمه‌شناختی را ارتقا بخشد، عوامل مؤثر بر ترجمه را نشان دهد و باعث غنای حوزه‌های زیربط گردد. در این پژوهش فرض بر این است که با تکیه بر گفتمان فوکویی و خوانش هم‌زمانی و در زمانی سوسوری می‌توان نقد ترجمه‌شناختی را با کیفیت بهتر و کامل‌تری انجام داد. عوامل اثرگذار بر ترجمه را نشان داد و باعث غنای حوزه‌های مربوطه شد. از این رو رویکرد نظری در این مقاله علاوه بر توجه به گفتمان فوکویی و نگاه در زمانی و هم‌زمانی سوسور براساس نظریه دریافت و با مقبولیت اثر ایزر و بانوس و همچنین روش ترجمه‌شناختی برمن در کتاب تأملی بر نقد ترجمه در نظر گرفته شده است.

همانطور که مشاهده می‌شود برخی مبانی نظری و معرفت‌شناختی در نظریه‌های نزدیک به نظام گفتمانی، تجلیل گفتمان انتقادی نظریه پذیرش (دریافت) و بینامتنیت با یکدیگر ادغام شده و در حوزه مطالعات ترجمه اعمال شده‌اند. این تلفیق مشخصاً برای پرداختن به عوامل برون‌متن و درون‌متن ترجمه صورت می‌گیرد. ممکن است چنین تصور شود که با هر یک از رویکردهای فوکویی، یائوسی/ایزری با برمنی، به عنوان چارچوب نظری در پیکره‌ای ترجمه شده، هم در بعد هم‌زمانی و هم در بعد در زمانی با ابزارهای مشخصاً تحلیل گفتمانی، نظریه دریافت با روش ترجمه‌شناختی برمن، باز هم بتوان با در نظر

گرفتن اطلاعات برون‌متن^۶، پیرامتن^۷ و حتی متن‌های تکمیلی^۸، به نتایج کمابیش مشابهی دست یافت. پاسخ این اشکال، در متن ترجمه و حوزه ترجمه‌شناسی نهفته است. به این معنی که رویکردهای فوکویی یائوسی/ایزری با متن ادبی سروکار دارند و به آن ختم می‌شوند و نه به ترجمه آن؛ روش برمن نیز از آنجا که به متن ترجمه منتهی می‌شود. ادعایی دیرینه‌شناختی، طبق تعریف نگارنده ندارد. از این روست که رویکردهای مورد بحث تنها در کنار یکدیگر قادر خواهند بود اهداف دیرینه‌شناختی ترجمه را برآورده سازند. ویژگی جدید رویکرد دیرینه‌شناسی ترجمه دقیقاً در این است که با تمامی حوزه‌های شناختی و معرفتی علوم انسانی سر و کار دارد و باعث غنای آن‌ها می‌گردد.

۲. پیشینه تحقیق

درخصوص دیرینه‌شناسی ترجمه دو منبع عمده به زبان فارسی پیش روی ما قرار می‌گیرند: دیرینه‌شناسی ترجمه (قسمی، ۱۳۸۰) از کامبیز قشمی و دیرینه‌شناسی ترجمه (دادور، ۱۳۸۹) از المیرا دادور. در حالی که تلاش این محققان بیشتر در راستای بیان روند تاریخی ترجمه‌ها بوده است. چنانکه تقریباً شباهت‌هایی با کتاب تاریخچه ترجمه از فرانسه به فارسی (از آغاز تاکنون) (نوایی، ۱۳۸۸) نوشته داود نوایی دارد، زیرا این پژوهش‌ها به بیان کلیاتی در این حوزه بسنده کرده‌اند و از نظر ما در مراحل اولیه جای دارند. این امر معلول ابهامی است که در معنی دقیق این اصطلاح، یعنی دیرینه‌شناسی و دیرینه‌شناسی ترجمه، وجود دارد.^۹ از طرفی روش‌های ترجمه‌شناسی صرفاً بر تجزیه و تحلیل متن، تمرکز یافته‌اند و توجه چندانی به شرایط گفتمانی و عوامل فرامتنی ندارند. تمام رویکردهایی که در مطالعات ترجمه وجود دارد، اعم از رویکرد تحلیل گفتمان و تحلیل انتقادی گفتمان، با نظریه‌پردازانی همچون میشل فوکو^{۱۰} و نورمن فرکلایف^{۱۱}، رویکرد نشانه‌شناختی مبتنی بر آرای سوسور^{۱۲}، دریدا^{۱۳}، بارت^{۱۴} و فان لیوون^{۱۵}، رویکرد کریستوایی^{۱۶} مبتنی بر ملاحظات بینامتنی و الگوی نظری فرحزاد در ایران، تمرکز جملگی‌شان به متن ترجمه است و از این رو در حوزه ترجمه‌شناسی صرف قرار می‌گیرند. چنانکه اگر جایی تحلیل انتقادی گفتمان (قهرمانی، ۱۳۹۳) مطرح می‌شود فقط متن ترجمه و محتوای آن مورد توجه قرار می‌گیرد. این امر باعث می‌شود که بررسی ترجمه صرفاً به خود متن محدود و ختم شود؛ به این معنی که دغدغه ترجمه‌شناسی با رویکردهای مختلف نیز فراتر از متن ترجمه گسترش نمی‌یابد و به

حوزه‌های دیگر کشانده نمی‌شود؛ چنانکه اگر بررسی ترجمه یک متن ادبی، اعم از نظم، نثر، ژانر، مکتب مربوطه، خلاصه ویژگی‌های ادبی و فرازبانی نیز در کنار مبانی زبان‌شناسی مورد توجه قرار گیرند، درنهایت توضیح و تحلیل متن ترجمه و رهیابی به معنای آن مدنظر است و در این مرحله نیز خاتمه می‌یابد؛ یعنی دیگر کاری به مسائل و مبانی دخیل در تبلور متن ندارد؛ عواملی که به هر حال ردشان در خود متن وجود دارد و باید به اتکا آن به شناخت آن‌ها ره جست. به‌عنوان مثال در نقد ترجمه بیتي از غزلیات حافظ «حافظا میخور و رندی کن و خوش باش ولی دام تزویر مکن چون دگران قرآن را» آنجا که مترجم برای «رندی کردن» معادل «vivre en libertin» را آورده است.

Hafez, bois du vin, vis en libertin, et sois heureux! Mais

Ne fais pas du coran, comme d'autres, un piège de séduisante falsification.

درست یا نادرست، منتقد صرفاً به بررسی ترجمه فرانسوی‌اش بسنده می‌کند و آن را «زنهار دادن از توسل به قرآن در توجیه دروغ و فریب» می‌داند، حال آنکه در رویکرد دیرینه‌شناختی ترجمه، منتقد، فراتر از ترجمه‌ای که در آن معنا با توجه به تکوین در زمانی و هم‌زمانی‌اش به‌دست می‌آید، شرایط گفتمانی «توسل به قرآن را در آن دوره» نیز مورد بررسی قرار می‌دهد و سپس ناگفته‌های متن ترجمه را در ارتباط با دلایل انتخاب معادل «vivre en libertin» آشکار می‌سازد. از این رو، شرایط اجتماعی آن دوره (دوره حافظ) طوری بوده است. که قرآن به‌عنوان مستمسکی برای توجیه دروغ و فریب مردم قرار می‌گرفته است، چرا که جنبه ظاهری آیات، اساس باورهای مردم آن دوره را تشکیل می‌داده است. مشاهده می‌شود که در چنین رویکردی، فراتر از معانی دقیق متن اصلی، جنبه‌های دیگری، همچون جامعه‌شناختی، فرهنگی و دین‌باوری نیز به‌دست می‌آید و انتخاب مترجم را نیز تابعی از شرایط فرهنگی و اجتماعی وی می‌داند و به آشکارسازی در این زمینه نیز می‌پردازد. در یک سو «رند» و «رندی» در سوی دیگر «libertin» و «vivre en libertin»؛ در یک سو جامعه‌ای مذهبی با تعابیر خاص خود و در سوی دیگر جامعه‌ای لائیک بر مبنای اومانیزم و نظام ارزشی خود! وانگهی چنین دریچه‌ای که در ترجمه به روی سایر حوزه‌ها گشوده می‌شود، شروعی بیش نیست. چراکه با ورود به هر یک از حوزه‌های گشوده‌شده، بحث‌های جدی‌تر و عمیق‌تری به جریان می‌افتد.

بنابراین دیرینه‌شناسی ترجمه به‌عنوان روشی که بر تحلیل گفتمان و نگاه در زمانی و هم‌زمانی تکیه دارد، می‌تواند محدودیت‌های روش‌های ترجمه‌شناسی را پوشش دهد و با خروج از متن ولی با تکیه بر آن، باعث پیوند مباحث این حوزه با بسیاری از شاخه‌های علوم انسانی شود و امکانی فراتر از امکانات

خود آن‌ها در اختیارشان قرار دهد.

از آنجا که در فرایند ترجمه، خودی و دیگری در ارتباط با یکدیگر قرار می‌گیرند، بررسی در زمانی دیرینه‌شناسی شباهت زیادی با آنچه که بندیکت زیمرمن^{۱۷} و میکائیل ورنر^{۱۸}، با الهام از روابط آلمان و فرانسه در ادوار گذشته، تلاقی تاریخی^{۱۹} نام نهاده‌اند، می‌یابد، ولی باید توجه داشت که تأملات تاریخی زیمرمن و ورنر به مقایسه دو فرهنگ می‌پردازد؛ یعنی مقایسه خودی با دیگری؛ حال آنکه در دیرینه‌شناسی ترجمه متن؛ ترجمه سندی است که ما را با عوامل اثرگذار خودی (داخلی) بیشتر آشنا می‌سازد؛ یعنی در اینجا بررسی خودی با خود صورت می‌پذیرد.

کتاب دیگری نیز تحت عنوان دیرینه‌شناسی ترجمه وجود دارد که در سال ۲۰۲۰ منتشر شده است (ژنویو هانر و سیسترو، ۲۰۲۰)، ولی در واقع جلد سوم مجموعه مقالاتی است که در کنفرانس ترجمه‌شناسی دانشگاه پاریس - نانتر در سال ۲۰۱۷ ارائه شده‌اند. این مقالات به بررسی ترجمه‌های ادوار گذشته پرداخته‌اند. بنابراین در اینجا نیز پژوهشگران بر خود ترجمه تمرکز داشته و به چگونگی تکوین ترجمه‌های مورد بررسی پرداخته‌اند. در نتیجه وارد مباحث برون متن، طبق آنچه ما گفتیم، نشده‌اند.

۳. دیرینه‌شناسی

دیرینه‌شناسی اصطلاحاً به معنی بررسی تمدن‌های باستانی براساس بقایای مادی یافت‌شده از کاوش‌های انسانی است.^{۲۰} بنابراین دیرینه‌شناسی، دانش شناخت فرهنگ‌های ادوار گذشته انسان براساس مطالعه اشیا و آثار دیرین و جزء آن است. فوکو^{۲۱} دیرینه‌شناسی به معنای فوق را از علوم انسانی وام می‌گیرد و در مفهوم مورد نظر خود به‌کار می‌بندد. دیرینه‌شناسی در فلسفه فوکو، کندوکاوی به سبک باستان‌شناسان است. همانطور که آنان با حفاری و بیرون آوردن مصنوعات بشر پیشین، به مطالعه تاریخ زندگی اش می‌پردازند، فوکو نیز در روش دیرینه‌شناسی‌اش، با کاویدن تاریخ اندیشه، روش‌های عملی گذشتگان و افکار و اندیشه‌های آنان به تحلیل قواعد پنهان و ناآگاهانه‌ای دست می‌یازد که گفتمان‌های علوم انسانی گذشتگان را شکل داده‌اند. او از این طریق تلاش می‌کند قواعد پنهانی را نشان دهد که اعضای یک اجتماع را وا داشته است تا مفاهیمی را معتبر و صادق و مفاهیم دیگری را غیرمعتبر و کاذب تلقی کنند. دیرینه‌شناسی شیوه‌ای کاملاً توصیفی است که صرفاً در پی شرح شرایط گفتمان و حوزه عملی کاربرد و انتشار آن است و توجهی به منشأ گفتمان و یافتن آن در ذهن بنیان‌گذار مربوطه

ندارد. درواقع هدف دیرینه‌شناسی چیزی جز فهمیدن و بیان آرشیوهای احکام خاص هر جامعه و عصر خاص نیست. بررسی این آرشیوها و حکم‌های مندرج در آن‌ها از طریق گفتمان، نشان خواهد داد که در آن جامعه با عصر خاص چه مقولات و مباحثی معتبر یا مردود بوده است؛ لذا در سایه دیرینه‌شناسی است که می‌توان به نظام‌های زبانی و نیز نظام‌های معرفتی حاکم بر یک عصر یا جامعه بی‌برد (تشین). «باید از عقل خارج شد و اندیشید چگونه است که این گونه می‌اندیشیم؟ در اصل دیرینه‌شناسی نگاه عقلی به تاریخ و بشریت را حذف می‌کند و به سمتی حرکت می‌کند که با آن سطح تعیین‌کننده بتوان فهمید عقل چگونه می‌بیند. فوکو انسان را قادر به فهم آرکئولوژیک (دیرینه‌شناسی) خود نمی‌داند و معتقد است انسان پس از گذشتن از زمان خود می‌تواند ریشه تفکرات عصر خود را فهم کند» (فرهنگ ادبیات - همشهری آنلاین). برای فوکو دیرینه‌شناسی به ابزاری می‌ماند که عملکردش همانا پیوند دادن تحلیل مربوط به چگونگی به‌وجود آمدن عوامل اجتماعی با توضیحات معرفت‌شناختی و یا ارتباط دادن تحلیل مواضع سوژه با یک تئوری مربوط به تاریخ علوم است (Foucault, 1969, pp. 270-271).

درواقع فوکو دانش بشری را گفتمانی فرض می‌کند که با بررسی آن می‌توان به شرایط گفتمان دست یافت. درنتیجه کاری که فوکو در این زمینه انجام می‌دهد نوعی خوانش گفتمانی است. فوکو در کتاب *دیرینه‌شناسی دانش* خود ارتباطش را با تاریخ نفی نمی‌کند، ولی آن را کتاب تاریخ نیز نمی‌داند، زیرا تأکید می‌کند که این کتاب با ماهیتی معرفت‌شناختی متدی در ارتباط با مسائل تاریخی و هدف اصلی آن، با به چالش کشاندن مفاهیم عمده بسیاری، ارائه روشی توصیفی در زمینه گفتمان‌هاست. این متد جدید هم‌زمان قائم به ذات و تجربه‌گراست و براساس عبارات گفتمانی عمل می‌کند (Serres, 2026). فوکو نخست در بخش «تعریف عبارت گفتمانی» ویژگی‌ها و شرایط لازم را برای عبارت گفتمانی برمی‌شمرد و آن را از گزاره، جمله و عملکرد زبانی متمایز می‌کند (Foucault, 1969, pp. 105-115). به این ترتیب، عبارت گفتمانی نقش حیات‌مندی می‌یابد که براساس آن می‌توان بر مبنای تحلیل و یا شهود به معنای خاص و یا عادی آن‌ها چگونگی ترتیبشان، نقششان به‌عنوان نشانه و نقش معنایی‌شان پی برد (Ibid, p.115). درنتیجه عبارت گفتمانی به جزء بنیادین دیرینه‌شناسی تبدیل می‌شود و فوکو متن گفتمانی را مجموعه‌ای از عبارات گفتمانی تعریف می‌کند که با شکلی گفتمانی در تاریخ ثبت می‌شوند (Ibid, p.153). عبارات گفتمانی به‌عنوان رخدادها و پدیده‌ها در ادبیات فوکو نام آرشیو به خود می‌گیرند (Larache, 2003, p. 47).

۴. گفتمان

عبارت گفتمانی نتیجه پردازش گفته یا گفته‌پردازی است. در ابتدا باید گفت که گفته‌پردازی مفهومی صرفاً زبان‌شناختی و یا نشانه‌شناختی (آنچنانکه، به‌عنوان نمونه، دال و مدلول تلقی می‌شوند) نیست، بلکه مفهومی زبان‌شناختی و نشانه‌شناختی برای آن نیز وجود دارد، زیرا رویکردهای مختلفی نیز برای گفته‌پردازی امکان‌پذیر است که برخی به‌عنوان نمونه بر شرایط تولید عبارت‌های گفتمانی، شرایطی که از نوع مسائل جامعه‌شناختی، اقتصادی، تاریخی، حقوقی، روان‌شناختی، دینی، فلسفی و غیره هستند و می‌توانند در جهت توضیح ترکیب و ویژگی‌های یک متن خاص مورد استفاده قرار گیرند. بنابراین دلیل وجودی متن گفتمانی مورد بررسی و توجیه «فرایند تولید» بیرون از متن قابل ارائه می‌شود. به‌عنوان مثال، «اعلامیه حقوق بشر و شهروندی» در سال ۱۷۸۹ ثمره بحث‌های جدی و شورانگیز قبل از آن بود. این اعلامیه با توجه به حدود ۳۰ پروژه مختلف ولی مرتبط، به‌طور کامل قابل فهم نیست مگر با روزآمد کردن عوامل پیشین و دستیابی به معنای ثانویه آن در تاریخ ملت فرانسه. به این ترتیب تمامی شاخه‌های علوم انسانی که مبنایشان بر نشانه‌پردازی و یا فرایند تولید معنا استوار است با بحث پردازش گفته در ارتباط هستند و هر یک مفهوم خاصی از آن را در نظر دارند (Cortes, 1991, pp. 245-246). امیل بانویست، در یکی از آخرین نوشته‌های خود تحت عنوان *نشانه‌شناسی زبان فراتر از مفهوم نشانه*، توسط فردینان دوسوسور، تحلیل زبان‌شناختی متن گفتمانی را مطرح می‌کند. فوکو چنین می‌گوید:

نباید گفتمان را به‌کار بست معانی از پیش موجود گفتمانی، تقلیل دهیم. نباید تصور کنیم که جهان چهره روشن خود را به ما نمایانده و کار ما فقط رمزگشایی از آن است. جهان همسو با شناخت و آگاهی ما نیست. هیچ مشیت پیشاگفتمانی در کار نیست که بخواهد جهان را به خواست ما سامان دهد. باید گفتمان را همچون خشونت بدانیم که در حق چیزها روا می‌داریم؛ یا به‌مثابه روالی که بر آن‌ها تحمیل می‌کنیم و به‌واسطه همین روال است که رویدادهای گفتمانی اصول قاعده‌مندی خود را باز می‌یابد (فوکو، ۱۹۸۱، ص ۶۷).

به اعتقاد فوکو، حقیقت یعنی همان «امور درست» و عینی ساخته و پرداخته مجموعه‌ای از سازوکارهای کنترل، سازمان‌دهی و بازتوزیع است. بنابراین برای او حقیقت تبلور گفتمان‌های چنین سازوکارهایی است (فوکو، ۱۹۸۱). او در تحلیل صورت‌بندی‌های گفتمانی، مبانی واقعیت‌ها، دانش در ارتباط با اشکال معرفت‌شناختی، اصطلاح/پیستمه و تحلیل آن را به‌کار می‌گیرد تا رویکرد خود را از اشکال مختلف تاریخ علوم متمایز کند. ابیستمه برای فوکو به مفهوم مجموعه روابطی است که می‌توانند در دوره مشخصی، عملکردهای گفتمانی را به اتحاد برسانند؛ عملکردهایی که اشکال مختلف معرفتی،

علوم مختلف و نظام‌های احتمالی صورت‌بندی‌شده در پی خواهند داشت (Foucault, 1969, p. 249-250) با این حال در تبلور گفتمان و تشکیل آن نهادها، قدرت و قوانین حاکم بر آن‌ها نقش بسزایی ایفا می‌کنند. به اعتقاد فوکو قدرت در جریان است و فقط به شکل یک زنجیره عمل می‌کند. پس در یکجا متمرکز نیست، بلکه در یک شبکه عمل می‌کند. و افراد فقط آن را به کار می‌گیرند، بی آنکه بتوانند به تملک خود درآورند و یا محوری برای آن باشند (فوکو، ۱۹۸۰، ص ۹۸). فوکو شکل‌گیری سوژه‌ها و روابط بین آن‌ها را تنها در گفتمان امکان‌پذیر می‌داند و معتقد است که حقیقت ساختار اجتماعی و زندگی انسانی براساس آن شکل می‌گیرد (فوکو، ۱۹۸۴)، بنابراین هیچ راهی برای خروج از گفتمان وجود ندارد، زیرا حقیقت، خود، محصول آن است (قهرمانی، ۱۳۹۳).

هر چند نظریه گفتمان و تحلیل آن پس از میشل فوکو ادامه و ابعاد گسترده‌ای می‌یابد، از قالب ساختگرایی و محدود بودن به دوره مشخصی، رهایی می‌یابد و در قالب تحلیل انتقادی گفتمان، شکل پیاساختگرا به خود می‌گیرد و بحث‌های جذاب و داغی را نیز برمی‌انگیزد، ولی در توضیح نظریه پیشنهادی ما مبنی بر دیرینه‌شناسی ترجمه، همین قدر نیز کفایت می‌کند و در صورت نیاز به آرای نظریه‌پردازان پسافوکویی، از قبیل فرکلاف (۱۹۹۵ و ۲۰۰۳)، وداک (۲۰۰۱)، الف، فان دایک (۱۹۹۷)، کرس (۱۹۸۵)، فان لیون (۲۰۰۸)، لاکلا و موف (۱۹۸۵) نیز می‌توان اشاره‌هایی داشت (قهرمانی، ۱۳۹۳).

نظریه‌پردازان تحلیل گفتمان و تحلیل انتقادی گفتمان در حوزه ترجمه تلاش خود را صرفاً در توضیح متن ترجمه به کار گرفته‌اند. سعی آن‌ها، ولو با تمسک به عوامل برون متن، نهایتاً متن نهایی، یعنی ترجمه را مورد بررسی و واکاوی قرار می‌دهد. به عبارتی مرحله پایانی در تحلیل آن‌ها به متن ترجمه ختم می‌شود. حال آنکه در نقد دیرینه‌شناختی مورد ادعای این مقاله، متن ترجمه صرفاً بهانه و مستمسکی است برای بررسی عوامل مؤثر در ترجمه، اعم از درون متن و برون متن؛ به تعبیر دیگر، دو سویه گفتمان؛ طبق آنچه در ابتدای مقاله نیز بدان اشاره شد. مخلص کلام اینکه نتیجه یک پژوهش دیرینه‌شناختی، دستیابی به بنیان‌هایی است که در به وجود آمدن متن ترجمه، دخیل بوده‌اند.

تحلیل گفتمان و تحلیل انتقادی گفتمان، در بسیاری از موارد با روش پیشنهادی در این مقاله شباهت‌هایی دارد، ولی پس از ارائه این روش و نشان دادن نتایج دیرینه‌شناسی یک متن ترجمه، تفاوت‌های موجود آشکار خواهد شد. ما پژوهش دیرینه‌شناختی ترجمه خود را به‌طور مشخص از تلفیق تحلیل گفتمان، بینامتنیت با دو روش ترجمه‌شناختی و ادبی انجام می‌دهیم، زیرا قبل از هر چیز باید بر این نکته تأکید بورزیم که دیرینه‌شناسی ترجمه نسبت به ترجمه متون ادبی و یا متونی کارساز است که آفرینشی

در آن‌ها صورت پذیرفته باشد. حال آنکه در عملکرد ارتباطی زبان، مفهوم انتقالی باید تقریباً به تمامی اعاده شود. بی‌آنکه ابهام و یا نکته ناگفته‌ای از دست رفته باشد.

مطابق با دو سویه گفتمان و فرایند پردازش گفته ما نیز در دیرینه‌شناسی ترجمه به بررسی عوامل برون‌متن و درون‌متن می‌پردازیم. در بررسی عوامل برون‌متن از روش پذیرش متن^{۲۲}، مکتب کنستانس^{۲۳}، استفاده می‌کنیم و مطالعه خود را درمورد مترجم و نویسنده متن مبدأ با بررسی افق آن‌ها، افق مخاطبان (خوانندگان) و درهم‌آمیختگی هر دو، یعنی مترجم و خواننده ترجمه از یک سو و نویسنده متن مبدأ و خواننده اثر از دیگر سو، با توجه به دو قید هم‌زمانی^{۲۴} و در زمانی^{۲۵}، انجام می‌دهیم.

در بررسی عوامل درون‌متن، نیز از یکسو زبان ترجمه (زبان متن مقصد) و از سوی دیگر به ترجمه‌شناسی متن ترجمه بر مبنای روش برمن، برگرفته از کتاب تأملاتی پیرامون نقد ترجمه، می‌پردازیم.

۵. نظریه دریافت (پذیرش یا مقبولیت) اثر و ترجمه

این نظریه به نقش خواننده اثر در آفرینش و به‌وجود آمدن متن ادبی مربوط می‌شود، زیرا او در تلقی متن نقش بسزایی ایفا می‌کند. این نقش در گذشته نادیده انگاشته می‌شد. تا آنکه در آغاز دهه ۱۹۲۰ با به‌وجود آمدن مکتب نقد تو، متن در کانون توجه حوزه تفسیر قرار گرفت. در این رویکرد متن به‌تنهایی هر آنچه را که لازمه فهم معناست، در اختیار قرار می‌دهد؛ متن مستقل است و عوامل بیرونی همچون زمینه تاریخی یا جامعه‌شناختی اهمیت ندارند. اما از اواسط دهه هفتاد قرن بیستم، برخی منتقدان تصریح می‌دارند که در هنگام تفسیر، خواننده متن به نوعی در تعامل با آن قرار می‌گیرد و در فرایند معنایی یک متن، دیگر عاملی منفعل در نظر گرفته نمی‌شود و حتی در کانون توجه و دغدغه‌های مطالعات ادبی قرار می‌گیرد. خواننده در به‌فعل درآمدن معنای اثر، مشارکت می‌کند و با به‌کارگیری نظام هنجارهای زیبایی‌شناختی خود، اعم از فردی، اجتماعی، و یا فرهنگی، آغازگر روند پذیرش و تحقق عمل خوانش می‌گردد.

نظریه‌پردازان نظریه‌های پذیرش اثر (مقبولیت اثر) عبارت‌اند از ولفگانگ ایزر^{۲۶} و هانس روبر پائوس^{۲۷}. نظریه‌های پذیرش واکنشی بود به بحرانی که در حوزه نهاد ادبی آن سال‌ها وجود داشت (Heiderreich 1989, p. 77) این نظریه‌ها دو گرایش عمده را شامل می‌شدند: نخست، مطالعات مربوط به به‌کارگیری و استفاده از نظریه پذیرش اثر به ابتکار هانس روبر پائوس و کتابش تحت عنوان زیبایی‌شناسی در

پذیرش/ اثر^{۲۸} و دیگری مطالعه آثار ثبت شده در متن، به ابتکار ولفگانگ ایزر. حاصل این دو رویکرد همانا، مکتب کنستانس نام گرفت. البته جایگاه خواننده در متن فقط در رویکرد این دو نظریه پرداز آلمانی مطرح نبوده است، زیرا آمبرتواکو نیز آن را در حوزه نشانه شناسی خوانش مطرح کرده بود (PIGAY) (GROS, 2002, p. 54).

در مکتب کنستانس توجه به سه گانه نویسنده - متن - خواننده معطوف است و عمدتاً از اندیشه های هانس جرج گادامر^{۲۹}، نظریه های اینگاردن^{۳۰} و هایدگر^{۳۱} در ارتباط با مسائل مربوط به خوانش الهام گرفته شده است (Ibid, p.4).

از نظر هایدگر و اینگاردن، متن ادبی همواره ناقص است و اهمیت خواننده و تفسیر متن به عنوان عامل عمده نوشتار ادبی نیز از همین جا ناشی می شود (Ibid, p.37). تأملات این دو منجر به به وجود آمدن مفاهیم «افق انتظار»^{۳۲} در مطالعات یائوس و «خواننده ناپیدا»^{۳۳} در پژوهش های ایزر می گردد.

مفهوم افق انتظار که به هوسرل^{۳۴} تعلق دارد بنیان نظریه پذیرش اثر را تشکیل می دهد و بر این اساس برای فهم تأثیر یک اثر ادبی لازم است افق قبلی آن و ارزش های باز شناخته شود. بنابراین یک اثر ادبی تداوم و با گسستی نسبت به سنت گذشته تلقی می شود و تجربه خوانندگان نیز به ادراک نوعی انطباق و یا یک انحراف نسبت به آن سنت معطوف (Jauss, 1972) می گردد.

این مفهوم پیش تر از سوی برخی فلاسفه آلمانی همچون هایدگر، گادامر و هوسرل به کار گرفته شده بود. به ویژه اینکه هوسرل جریانی را در فنومنولوژی مطرح کرده بود که برای خوانش نوعی شناخت ذاتی و بلا فصل قائل بود (همان). برای یائوس پذیرش یک اثر، جریان پویایی است که از نسلی به نسل دیگر شکل انطباق یک اثر ادبی را با واقعیت ها تغییر می دهد و در نتیجه دگرگونی ارزش ها و معنای آن را در پی دارد. بدیهی است که تنشی بین افق زمان حال و زمان گذشته متوقف شده وجود دارد؛ با این حال افق زمان حال برخاسته از گذشته است و فهم اثری متعلق به گذشته در نتیجه «درهم آمیختگی افق ها» تغییری که یائوس از گادامر وام گرفته است، صورت می پذیرد (همان). یائوس در این زمینه چنین می نویسد:

روشی که خواننده به وسیله آن عهده دار متن ادبی می گردد و برداشت خود را نسبت به محتوای آشکار و پنهانش به طور هم زمان به انجام می رساند، پیش فرضش فقط براساس برقراری ارتباط بین متن و خواننده است که بر پایه برخی کدها، هنجارها و مأخذ است و روزآمد شدن معنای اثر ادبی توسط خواننده، با توجه

به ادراک وی از جهان و تجربه شخصی‌اش صورت می‌پذیرد (همان، ص ۲۶۹).

جای دیگری نیز یائوس چنین می‌گوید:

اثر ادبی، به هنگام پذیرشش باعث دگرگونی کامل هنجارهای «افق انتظار متداول» خوانندگان و گستی از آن و در نتیجه طرد و حتی عدم درکش می‌گردد. پس از این اتفاق متناسب با استقرار افق جدید و تغییر هنجار زیبایی‌شناختی نفی‌کننده آثار پیشین از سوی جامعه، تنها کاری که خوانندگان قادر به انجامش قادر خواهند بود همانا پذیرش وضعیت جدید خواهد بود (همان، ص ۵۵).

به این ترتیب یائوس هفت نظریه پیشنهاد می‌دهد که مبانی روش جدیدی را برای رخدادهای ادبی مطرح می‌کنند.

نظریه نخست: تاریخمندی ادبیات مبتنی بر تجربه خوانندگان اثر است (اثرگذاری و پذیرش)؛ اثر به خودی خود وجود ندارد، بلکه به یک پارسیون موسیقی می‌ماند که ترنم نواهای جدیدی را براساس افق‌های انتظار مطرح می‌کند.

نظریه دوم: نظام‌های ارجاع‌دهی خواننده به‌طور ابژکتیو قابل اعمال هستند؛ این امر باعث می‌شود تا نسبت به ملاحظات روان‌شناختی که تهدیدی برای تحلیل تجربه ادبی هستند، مصونیت ایجاد شود. نظریه سوم: فاصله زیبایی‌شناختی بین افق انتظار و یک اثر ادبی می‌تواند معیار مناسبی برای تحلیل تاریخی باشد.

نظریه چهارم: شناختن افق انتظار در زمانی که اثر آفریده شده است امکان می‌دهد تا سؤالاتی مطرح شود که اثر به آن‌ها پاسخ می‌دهد؛ ایجاد رابطه‌ای بین افق انتظار گذشته و افق انتظار حال امکان می‌دهد تا ایده مربوط به نوعی جوهره شعری غیرزمانمند و مفهومی تعیین‌یافته و برای همیشه ثابت زیر سؤال برده شود.

نظریه پنجم: زیبایی‌شناسی پذیرش اثر ادبی امکان می‌دهد تا چگونگی روند پذیرش یک اثر را فهمید و به درجه اهمیتش می‌برد.

نظریه ششم: می‌توان دوره‌ای را در تحول ادبی به‌طور هم‌زمانی مورد بررسی قرار داد و به کشف نظام یکدست‌کننده تکرار و ناهمگن آثار یک دوره خاص نائل آمد. تکثیر برش‌های هم‌زمان به‌صورت در زمانی امکان‌پذیر ساختن مفصل‌بندی‌های بینادوره‌ای را فراهم آورد.

نظریه هفتم: بازنمایی تاریخ ادبی به‌صورت هم‌زمانی و در زمانی امکان می‌دهد تا بفهمیم چگونه نقش اجتماعی ادبیات اظهار می‌شود؛ تجربه ادبی در افق انتظار خواننده ورود می‌کند. جهان‌بینی و رفتار

اجتماعی‌اش را تغییر می‌دهد.^{۳۵}

چنین تعریفی از افق انتظار مفاهیم دیگری را نیز در ارتباط با متن ادبی به‌ویژه بینامتنیت مطرح می‌کنند که مطالعه آن نیز خالی از فایده نیست.

محور دیگر مکتب کنستانس را اندیشه‌های ولفگانگ ایزر تشکیل می‌دهد. حرف او این است که هنجارهای کلاسیک در فرایند تفسیر که باعث تقلیل متون تخیلی به معنایی گفتمانی می‌گردند همچنان به حیات خود ادامه می‌دهند. بنابراین حتی اگر پیامی جنبه خبری‌اش را از دست بدهد. متن ادبی به صحبتش ادامه می‌دهد. استعاره توجه و خواننده - مسافر به ایزر اجازه می‌دهد تا آنچه طی خوانش - سفر روی می‌دهد را توضیح دهد: نقاط مختلفی مورد رصد قرار می‌گیرند اما خواننده - مسافر تمام لحظات سفر را دوباره تجربه می‌کند؛ او هر هم اهتمام بورزد، قادر نیست به تمام اثر دسترسی یابد: تصویربرداری‌اش متحرک است. به همین دلیل تأملی درمورد تفسیر می‌باید متوجه شرایط تشکیل مفهوم باشد (1976 ISER). آنگاه ایزر تمرکز خود را بر خواننده معطوف می‌دارد، زیرا اعتقاد دارد که یک متن تا خوانده نشود نمی‌تواند معنایی داشته باشد. یقیناً یک متن نویسنده‌ای دارد، ولی خواننده است که به آن واقعیت می‌بخشد. بدین مفهوم، اثر ادبی فرایندی است که طی آن متن در ذهن خواننده تمامیت می‌یابد. بنابراین مفهوم یک متن باید جای خود را به تأثیری بدهد که متنی در ذهن خواننده‌ای می‌گذارد. معنای پیشینی وجود ندارد. بلکه طی خوانش به‌وجود می‌آید.^{۳۶}

ایزر الگوی مبتنی بر جفت «اثر/پذیرش»^{۳۷} را اصلاح می‌کند و جفت «پیام/معنا»^{۳۸} را جایگزینش می‌گرداند تا بتواند «نظریه اثر زیبایی‌شناسی»^{۳۹} اش را مطرح کند. نظریه ایزر از سه عامل تشکیل یافته است. متن، خواننده و تعاملی که بین آن‌ها به‌وجود می‌آید. به عقیده ایزر اثر زیبایی‌شناختی هر چند برخاسته از متن است، ولی در خواننده قابلیت‌های بازنمایی‌کنندگی و ادراک را موجب می‌شود تا نقطه نظرات متفاوتی را برگزیند (ISER, 1982, p. 9). ایزر «نظریه تأثیر» را از «نظریه پذیرش» چنین متمایز می‌کند که اولی را اقدامی می‌داند که در خود متن جریان دارد. حال آنکه دومی را عهده‌دار موقعیت تاریخی خواننده و واکنشش نسبت به متن می‌داند. به عبارتی «نظریه تأثیر» در متن ریشه دارد، ولی «نظریه پذیرش» در قضاوت تاریخی خوانندگان (Ibid, p.14). خلاصه اینکه خوانش، تعامل پویایی است که بین متن و خواننده صورت می‌گیرد، زیرا نشانه‌های زبان‌شناختی متن و پیوندهای مختلفش صرفاً در ذهن خواننده انجام می‌پذیرند. به عبارتی، کنش‌هایی که متن به‌وجود می‌آورد خارج از کنترل عوامل درون‌متنی

است. خلاقیتی که در فرایند پذیرش به وقوع می‌پیوندد نیز از این روست (Ibid, p.24).

۵. نظریه ترجمه‌شناختی برمن

انتوان برمن (۱۹۴۲-۱۹۹۱) در مقام فلسفه‌دان و ترجمه‌شناس، در کتاب خود تحت عنوان *تأملاتی پیرامون نقد ترجمه*، که پس از مرگ وی منتشر گردید، ژانر جدیدی را در زمینه نقد ادبی مطرح می‌کند. او متأثر از فلسفه کانت است و با تکیه بر مفهوم نقد بنیامین، نقد ترجمه را پیشنهاد می‌کند. درواقع برمن در ارتباط با نقد ادبی، اهمیت قابل توجهی برای ترجمه قائل است (Berman, 1995).

برخلاف آنچه که از عنوان کتاب وی استنباط می‌شود، ترجمه برای برمن نقدی برای یک متن ادبی است. همانطور که ترجمه در تلقی بینامتنی برای ژانت، نوعی ترامتن تلقی می‌شود (Genette, 1982) و می‌تواند در اعاده معنای متن اصلی و یا مبدأ، کارساز باشد. بنابراین متن ترجمه برای برمن در درجه نخست، نقدی است که مترجم از خوانش متن اصلی ارائه می‌دهد و منتقد ترجمه نیز به نوبه خود نقد مترجم را مورد خوانش قرار می‌دهد. در این بررسی، برمن روش خود را مبنی بر هرمنوتیک نوین می‌داند یعنی چنانکه در اندیشه‌های یائوس و ریکور مطرح می‌شود (Jauss, 1988, p. 25-26). او معتقد است که این روش به او اجازه می‌دهد تا تجاریش را به‌عنوان مترجم و خواننده ترجمه‌های دیگران و همچنین روند تاریخی ترجمه‌ها را به روشنی درک کند (Berman, 1995, p. 15). روش برمن در تحلیل ترجمه مبتنی بر خوانش‌هایی است که نخست درمورد متن ترجمه صورت می‌گیرد. این خوانش‌ها به‌طور کاملاً مجزا نسبت به متن اصلی انجام می‌پذیرد. آنگاه مترجم مورد بررسی قرار می‌گیرد (Ibid, p.16). در مرحله دوم متن اصلی مورد خوانش قرار می‌گیرد تا موارد مسئله‌دار، ویژگی‌های سبکی جنبه‌های مختلف آهنگ کلام، واژه‌های کلیدی، شناسایی شود؛ یعنی کارهایی که انتظار می‌رود مترجم نیز انجام داده باشد. آنگاه منتقد ترجمه خوانش‌های موازی انجام می‌دهد و طی آن‌ها سایر آثار نویسنده، مترجم، نقدهای مربوطه و سایر موارد مهم از قبیل اظهارات مترجم در ارتباط با ترجمه را در مقدمه، یادداشت‌ها و واژه‌نامه تخصصی مورد بررسی قرار می‌دهد. هدف از انجام این کارها همواره در جهت مقابله‌ای است که در مرحله بعد بین ترجمه و متن اصلی انجام خواهد پذیرفت (Bouvet, 1995, p. 2). جنبه مهم دیگری که بسیار حائز اهمیت است مطالعه منابعی است که مربوط به احوال خود مترجم می‌شود به‌منظور دستیابی به پاسخ سؤالاتی از قبیل مترجم کیست، ویژگی‌های بارزش کدامند و چه موضعی در ترجمه دارد؟ چه مطالبی در ارتباط با رونمایی ترجمه و بحث‌های پس از آن گفته شده است؟ به عبارتی مطالعه افق مترجم

(Berman, 1995, p. 73)، کار منتقد ترجمه به زیر سؤال بردن پروژه ترجمانی مترجم نیست، بلکه بررسی کیفیت انجام و تحقق آن است.

مرحله بعدی که از اهمیت زیادی در نقد ترجمه برخوردار است، از آنالیز آغاز و تا مقابله ادامه می‌یابد. آنالیز مورد نظر شامل مراحل زیر است:

الف - شکل آنالیز: شکل آنالیز علاوه بر نوع متن (شعر، رمان و غیره). به ترجمه یک مجموعه و یا کل اثر مترجم نیز بستگی دارد. در این مرحله بررسی می‌شود که آیا این شکل به یک ترجمه مترجم مربوط می‌شود و یا همسو با سایر ترجمه‌های یک اثر اتخاذ می‌گردد؛ یعنی خوانش ترجمه‌های پیشین، ترجمه‌های هم‌عصر و ترجمه‌های خارجی نیز ضرورت دارد.

ب مقابله: این مرحله چهار مقطع دارد. در ابتدا مقابله نکاتی که طی خوانش‌های متن ترجمه فهرست شده‌اند با متن اصلی صورت می‌گیرد. آنگاه نکات فهرست‌شده متن اصلی با متن ترجمه مطابقت داده می‌شوند، سپس متن مقصد با سایر ترجمه‌ها در زبان‌های دیگر مقایسه می‌شود. نهایتاً نیز متن ترجمه با پروژه مترجم مقایسه می‌شود تا به چگونگی انجامش بی‌برده شود. البته در این مرحله برمن بر انجام پروژه ترجمانی تأکید دارد (Ibid, p.86). در پایان این مسیر، نقدی سازنده نسبت به ترجمه با اصول برآمده از آن ارائه می‌شود تا راهگشای ترجمه‌هایی شود که در آینده ممکن است باز هم از متن اصلی صورت پذیرند. بنابراین نقد ترجمه قرار نیست ترجمه‌ای پیشنهادی برای متن اصلی ارائه کنند. بلکه فقط اصولی را مطرح می‌کند که می‌توانند ترجمه بهتری را نسبت به موارد پیشین به‌وجود آورند. (Bouvet, 1995, p. 3).

۶. روش‌شناسی پژوهش دیرینه‌شناسی

براساس مبانی نظری این حوزه و تجربه‌های حاصله طی مدت زمانی قریب یک دهه (نظامی‌زاده، ۱۹۹۳)، انجام پژوهشی در زمینه دیرینه‌شناسی ترجمه ناگزیر با توجه به الگویی همچون طرح پیشنهادی ذیل می‌تواند صورت پذیرد.

۱. مقدمه: طرح موضوع، تعریف دیرینه‌شناسی، سؤال‌ها و هدف تحقیق، روش تحقیق مبتنی بر نظریه گفتمان، دریافت، برمن، مراحل تحقیق؛

۲. بستر تحقیق: دیرینه تحقیق، معرفی متن ترجمه، معرفی متن اصلی؛

۳. عوامل برون‌متن (بر مبنای نظریه دریافت (پذیرش اثر))؛

- ۱-۳. مترجم (افق مترجم با توجه به نگرش در زمانی و هم‌زمانی)، زندگینامه، ترجمه‌ها و آثار، اوضاع سیاسی جامعه، اوضاع فرهنگی جامعه، اوضاع اعتقادی جامعه، رویکردهای ادبی و غیره؛
- ۲-۳. خواننده (افق خواننده ترجمه با توجه به نگرش در زمانی و هم‌زمانی)، اوضاع سیاسی جامعه، اوضاع فرهنگی جامعه، اوضاع اعتقادی جامعه، رویکردهای ادبی و غیره؛
- ۳-۳. درهم‌آمیختگی افق خواننده و افق مترجم؛
- ۱-۴. نویسنده (افق نویسنده با توجه به نگرش در زمانی و هم‌زمانی)، زندگینامه، آثار، اوضاع سیاسی جامعه، اوضاع فرهنگی جامعه، اوضاع اعتقادی جامعه، رویکردهای ادبی و غیره؛
- ۲-۴. خواننده (افق خواننده ترجمه با توجه به نگرش در زمانی و هم‌زمانی)، اوضاع سیاسی جامعه، اوضاع فرهنگی جامعه، اوضاع اعتقادی جامعه، رویکردهای ادبی و غیره؛
- ۳-۴. درهم‌آمیختگی افق نویسنده و افق خواننده اثر؛
۵. عوامل درون‌متن (بر مبنای روش چهار گانه برمن و روش تحلیل [انتقادی] گفت‌مان)؛
- ۱-۵. بررسی زبان ترجمه با توجه به نگرش در زمانی و هم‌زمانی؛
- ۲-۵. بررسی ترجمه‌شناختی متن ترجمه: خوانش متن ترجمه، خوانش متن اصلی، مقابله و بررسی تحلیل ترجمه‌شناختی؛
۶. نتیجه‌گیری (پاسخ به سؤال‌های تحقیق)؛
۷. منابع

۷. تحلیل داده‌ها

برای این منظور به دلیل حجم بیش از حد مطالب در قالب یک مقاله ناچاراً به ارائه نتایج دیرینه‌شناسی چند ترجمه بسنده می‌کنیم.

- ۱-۷. مورد نخست به ترجمه رمان سه تفنگدار اثر الکساندر دوما (۱۲۲۴) مربوط می‌شود که محمد طاهر میرزا اسکندری در سال ۱۲۷۷ شمسی انجام داده است. صفحه آغازین زمان (طاهر میرزا، ۱۲۷۷):

今

[illegible]

رمان سه تفنگدار (۱۲۲۴)، اثر الکساندر دوما، پدر، برای نخستین بار توسط محمدطاهر میرزا در عصر ناصرالدین شاه (۱۲۷۷) به چاپ رسید. دیرینه‌شناسی این ترجمه، ما را از یک سو نسبت به مترجم، جایگاه و نقشش، اوضاع حکومتی سیاسی، فرهنگی، اعتقادی، فرهنگی دوره ناصری در حوزه عوامل برون‌متنی دخیل در جامعه و از سوی دیگر وضعیت زبان فارسی، اصطلاحات رایج، سبک نگارش رویکردهای ترجمه شناختی، چگونگی و کیفیت فراگیری زبان فرانسه، میزان آشنایی با جامعه فرانسه و مسائل مربوط به آن، به‌عنوان عوامل درون‌متن آگاه می‌سازد. لازم به یادآوری است که نکات به‌دست آمده، هر چند نانوشته، ولی از متن ترجمه به‌دست می‌آیند و گر نه محوریت ترجمه، معنا و مفهومی نخواهد داشت، زیرا این مطالب بی‌نیاز از متن مقصد نیز قابل وصول خواهند بود.

به این ترتیب، در این متن می‌توان حضور پررنگ مذهب اسلام، وضعیت حکومتی، استبداد سلطنت و پادشاهی، بی‌تفاوتی نسبت به مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، بی‌اطلاعی از رخدادهای فرانسه و مسائل و مشکلات تاریخی - اجتماعی این کشور را از یکسو و کیفیت زبان فارسی رسم‌الخط رایج سرهم‌نویسی، حضور سنگین واژه‌های عربی، ساختارهای نحوی بیگانه و غیرفارسی، اصطلاحات زبانی رایج، آشنایی ابتدایی از نظام نشانه‌گذاری و نگارشی، عدم ورود صنعت چاپ به جامعه آن زمان، شیوه صحافی، قطع کتاب‌ها، اندازه صفحات، شیوه‌های تذهیب، صفحه‌آرایی و سایر ویژگی‌های پیرامنتی، انحصار ترجمه و حرفه ممتاز مترجمی در قشر اشراف و خانوادهای سلطنتی، شیوه نامناسب ترجمه و عدم آشنایی با اصول مربوطه، عدم آشنایی لازم با زبان، فرهنگ و مذاهب فرانسه، نبودن مراکز آموزش زبان ادبیات و ترجمه فرانسه در ایران دوره ناصری را از سوی دیگر مشاهده کرد.

۷-۲. مورد دوم به دیرینه‌شناسی ترجمه رمان پاپیون (Henri Charière, 1969) اثر هانری شاریر، مربوط می‌شود که پرویز نقیبی در سال ۱۳۴۹ به انجام رسانده است (پرویز نقیبی، ۱۳۴۹).

- این قاضی، بله، او گناهکار است، این لاشخور سرخ پوش، کلاما سزاوار
است تا بوحشتناک‌ترین وضع ممکن از او انتقام بگیرم. بله، اول او، بدش پوئین
و پلیس‌ها، اینطوری من به حساب این لاشخور حریص خواهم رسید. ویلائی اجاره
خواهم کرد. این ویلا باید یک زیرزمین بسیار عمیق با دیوارهای ضخیم و دردی
۵ بسیار سنگین داشته باشد، اگر در زیرزمین با اندازه کافی ضخیم نباشد، خود آن
را بوسیله یک تشک ضخیم‌تر می‌کنم. چون ویلا را در اختیار داشته باشم او را کمین
می‌کنم و می‌دزدمش. چون از پیش حلقه‌هایی در دیوار تعبیه کرده‌ام، همینکه به
ویلا آوردمش، او را بزنم می‌کنم. خوب، حالا دیگر دنیا به کام من است.
من روبروی او هستم، از پشت یک کلهای بستم بوضوح او را می‌بینم. بله،
۱۰ من او را همانطور که او درد ادگاه نگاهم می‌کرد، نگاه می‌کنم. صحنه، چنان
روشن و واضح است که من حرارت نفسش را بر صورت احساس می‌کنم، زیرا من
خیلی نزدیک او، چهره به چهره، چنان ایستاده‌ام که تقریباً هم‌دیگر را لمس
می‌کنیم.
چشمان قرقی‌وارش از نور چراغی که بالای سرش آویخته‌ام حیرت‌زده و
۱۵ ترسان شده است. دانه‌های درشت عرق از صورت منقبض شده‌اش فرو می‌ریزد. بله،
سؤالهایم را می‌شنود و به جوابهایش گوش می‌دهم. من این لحظه را با تمام وجود
باز می‌بینم.
- کثافت، مرا می‌شناسی؟ من یاپیون هستم که تو آنقدر باسانی به جسی
ابد محکوم کردی و به زندان مستعمرات فرستادی. تسوخیال می‌کنی بزحمش
۲۰ می‌ارزید طی آن همه سالها برای اینکه مرد برجسته و تحصیل کرده‌ای بشوی، شباهت
را روی قانون روم صرف کنی، زبان لاتین و یونانی یاد بگیری و سلاهای جوانیت
را صرف آن کنی که ناطق زبردستی از کار در آئی؟ می‌خواستی بچه‌چیزی دست‌یابی
بیشعور؟ می‌خواستی قانونی جدید و اجتماعی وضع کنی؟ یا به مردم یفهمانی که صلح
و آرامش بهترین چیزها در دنیا است؟ یا اینکه فلسفه و مذهب کاملتری را تبلیغ
۲۵ کنی؟ با خیلی ساده فقط می‌خواستی با تحسيلات دانشگاهی‌ات بر دیگران نفوذ کنی
تا آنها بهتر و خوش‌شوند و از بدی بپرهیزند؟ بگو، از علم و دانشت برای نجات
مردم سود جستی یا برای غرقه کردنشان؟
هیچ‌یک از اینها و فقط یک چیز است که الهام بخش رفتار توست! ترقی کردن
ترقی کردن! بالا رفتن از نردبان ترقی مثل کثیف. افتخار برای تو. این است
۳۰ که بهترین فراهم آورنده محکوم برای زندان مستعمرات باشی و هر چه بیشتر برای
جلاد و گیوتین طعمه دست و پا کنی.

هم‌زمانی تألیف و ترجمه کتاب از آن روست که هر دو جامعه ایران و فرانسه در آن دوره درگیر تحولات سیاسی بوده‌اند و زندان نقش مهمی در سرکوب‌ها داشته است. هر دو جامعه در مسیر رویدادهای مهم سیاسی و اجتماعی و تحولات بنیادین بوده‌اند. به‌طوری که این تغییرات در ایران، به انقلاب اسلامی منجر می‌شود و در فرانسه دوران بازسازی‌های پس از جنگ جهانی دوم را به‌وجود می‌آورد. در یکی، دوران قبل از جنگ و در دیگری، دوران پس از جنگ را شاهد هستیم و درمی‌یابیم که جنگ چه قبل و چه بعد، فضایی بر جامعه حاکم می‌کند که شباهت‌های در خور توجهی دارند.

متن ترجمه بسیار روان و گیراست و خواننده در دریافت پیام نویسنده مشکلی ندارد. درواقع ترجمه با حفظ سبک نویسنده، صورت گرفته است و در عین وفاداری به متن اصلی، در بعضی موارد مترجم به جهت مفهوم ساختن یا دلنشین‌تر کردن ترجمه برای خواننده زبان مقصد، تغییرات جزئی در ساختار جملات به‌وجود آورده است.

به احتمال زیاد انگیزه مهم پرویز نقیبی در ترجمه *پاپیون* همانا رنجی بوده است که او در دوران هر چند کوتاه اسارتش در زندان متحمل شده است. تحصیلات نقیبی در فرانسه نیز در این انتخاب بی‌تأثیر نبوده است. خوانندگان لحظه به لحظه ترس‌ها، ناراحتی‌ها، درد و عذاب‌های نه‌ایتم‌آش را شاهد هستند، ولی در انتها خود را با چنین پرسش‌هایی رو در رو می‌بینند: چگونه می‌توان با زندگی انسانی دیگر به‌راحتی بازی کرد؟

چگونه می‌توان به بی‌گناهی تهمت زد و مسیر زندگی‌اش را برای یک عمر تغییر داد؟ چه می‌شود که بی‌رحمی و سنگدلی آدمی را به زیر پا گذاشتن و جنان سوق می‌دهد؟

پرویز نقیبی روزنامه‌نگاری صاحب سبک بوده است؛ روزنامه‌نگاری که بیش از هر فرد دیگری طبیعتاً اخبار سیاسی را کنکاش و تحلیل می‌کرده و سیر تحولات جامعه را به‌خوبی می‌فهمیده و به دنبال زندانی شدنش در زمانی که ایران با اوضاع نابسامان و خفقان‌آوری روبه‌روست، روی به ترجمه این کتاب آورده است تا شاید بتواند گوشه‌ای از ظلم و استبداد حاکم بر جهان و بی‌عدالتی و فساد دستگاه‌های حکومتی را به بازی قلمش به‌تصویر بکشد. همانطور که در متن گزیده مشاهده می‌شود وضعیت موجود حکایت از به فساد کشیده شدن نهادهای اجتماعی، سیستم قضایی، مجامع علمی، تحصیل‌کرده‌ها و سرسپردگی‌شان نسبت به حاکمیت مستبد می‌دهد.

دیرینه‌شناسی این ترجمه، ما را به عواملی در درون متن و برون متن هدایت می‌کند که هر یک از آن‌ها می‌تواند آغازگر پژوهش‌هایی باشد که به هر حال ما را با متن ترجمه و متن اصلی پیوند می‌دهد.

به عنوان نمونه این متن روزنه‌ای است به روی بخشی از تاریخچه حزب توده وضعیت طرفداران آن و برخورد نظام پادشاهی با آن‌ها اینکه فردی به عنوان مخالف نظام به رغم استحاله‌هایی که از سر می‌گذراند چگونه با تمسک به ترجمه یک اثر ادبی می‌کوشد فضای اختناق و استبداد را عمیقاً به تصویر بکشد و الگوی پایداری در مقابل آن را پیشنهاد دهد. جریانی که حکایت از حضور نیروهای چپ غیر مذهبی دارد. همچنین رسالت و ماهیت روزنامه‌نگاری در آن دوران و نقش زبان فرانسه و ترجمه نیز در این پژوهش دیرینه‌شناختی قابل تأمل است.

۳-۷. مورد بعدی به دیرینه‌شناسی ترجمهٔ رمان *برادرزاده را* مو اثر دنی دیدرو (قرن هجدهم میلادی) مربوط می‌شود که احمد سمیعی گیلانی در سال ۱۳۴۶ انجام داده و توسط انتشارات علمی فرهنگی به چاپ رسیده است. نسخهٔ مورد بررسی در این تحقیق، چاپ دوم این کتاب در سال ۱۳۹۴ از همین ناشر است.

هوا چه خوش باشد چه ناخوش، مرا عادت بر آن است که ساعت پنج بعدازظهر برای گردش به پاله روآیال روم، آن‌که همواره یک و تنها روی نیمکت خیابان درختی آرژانسون در دریای خیال غوطه‌ور می‌بینند منم. با خود از سیاست، از عشق، از هنر، و از فلسفه سخن می‌گویم. عنان اندیشه را رها می‌سازم و آزادش می‌گذارم تا نخستین فکر خردمندانه با بی‌خردانه‌ای را که روی می‌نماید، دنبال کند؛ به همان سان که جوانان هرزه و عیاش را توان دید که در خیابان درختی فرا از پی معروفه‌ای سبک‌مغز، خنده‌رو، شوخ‌چشم، و بینی سربالا روان‌اند، این یک را رها می‌کنند و به دنبال دیگری می‌شتابند. به همه روی می‌آورند و به هیچ یک پیوند نمی‌یابند. افکار من دلبران من‌اند.

اگر هوا زیاده سرد یا خود بارانی باشد، به قهوه‌خانهٔ رژانس پناه می‌برم و در آنجا به تماشای بازی شطرنج سرگرم می‌شوم. پاریس در جهان و قهوه‌خانه رژانس در پاریس جایگاهی است که در آن بهتر از هر جای دیگر شطرنج بازی می‌کنند. به دکهٔ ریاست که لگال ژرفین، فیلیدور تیز هوش، مایوی استوار و بی‌تزلزل هجوم می‌آورند. در آنجاست که حیرت‌انگیزترین بازی‌ها را توان دید و ناشایسته‌ترین گفت‌وگوها را توان شنید؛ چه اگر از یک سو بتوان، به مالک لگال؛ هم نکته‌پرداز بود و هم شطرنج‌باز چیره‌دست، از سوی دیگر هم می‌توان، به مانند فوبر و مایو استادی در بازی شطرنج و بیخردی را با هم جمع کرد. روزی، پس از ناهار، در آنجا بودم زیاد تماشا می‌کردم و کم سخن می‌گفتم و هر چه کمتر گوش فرا می‌دادم که ناگهان یکی از بلعجب‌ترین آدمیان این مرز و بوم - که به برکت خداوند، کشور ما نه چندان اندک از وجودشان بهره یافته است - به کنار من آمد. وی معجونی است از علو طبع و دانانت، از سلامت ذوق و خفت عقل. مفاهیم شرف و ننگ می‌بایستی به شگفت گونه‌ای درون مغزش در هم آشفته باشند؛ چه صفات

نیک و بدی را که طبیعت به وی ارزانی داشته بی جلوه فروشی و بی‌شرم و آزرَم آشکار سازد. وانگهی، از موهبت ساختمان جسمانی نیرومند، حدّت نیروی شگرف خیال، و قوت ریوی کم‌نظیری برخوردار است. اگر روزی روزگاری با او مصادف شوید و جنبهٔ بدیع و اصیل وجود او مجذوبتان نسازد، با انگشت در گوش می‌کنید تا یاوه‌هایش را نشنوید، با پا به قرار می‌نهد. خدایا، چه در از نفس است! هیچ چیز از خود او به خودش بی‌شباهت‌تر نیست. گاه چون بیماری که قوایش تا آخرین حد تحلیل رفته، لاغر و نزار است، از ورای گونه‌هایش دندان‌هایش را توان شمرد؛ تو گویی از سر چندین شبانه‌روز است که لب به خوراک نزده با از ریاضتگاه تراب بیرون آمده است. ماه دیگر، پروار و فربه است؛ تو گویی از سر خوان سوادگری یک دم کنار نرفته با در دیر برنادرها معتکف بوده است. امروز پیراهنش چرکین، ازارش پاره، ژنده‌پوش، و توان گفت بی‌پای‌افزار است، سر به زیر افکنده، راه می‌پوید، و خود را از دیده‌ها پنهان می‌دارد و آدمی به وسوسه می‌افتد که او را فراخواند و وجهی نتارش کند» (احمد سمیعی گیلانی، ۱۳۴۶: ۱ و ۲).

۸. نتیجه

همانطور که طی این مقاله توضیح داده شد، این پژوهش براساس خوانش گفتمانی ترجمه و به کمک نظریه‌های گفتمانی فوکو با توجه به بعد زبان‌شناختی گفتمان که از طریق ملاحظات نشانه‌شناختی و نیز بعد فرازبان‌شناختی متکی بر نظریه‌های بینامتنی از باختین گرفته تا آمبرتو اکو و نظریهٔ دریافت (پذیرش) اثر و همچنین روش ترجمه‌شناسی برمن که در تمامی این موارد نیز مسائل گفتمانی و رویکردهای هم‌زمانی و درزمانی حضور دارند، امکان‌پذیر است. بار دیگر لازم به یادآوری است که پایان یک پژوهش دیرینه‌شناختی تنویر مبانی دخیل در ترجمه است و به اعتباری نه خود آن. به عبارتی دیرینه‌شناسی ترجمه هر چند در مسیر خود کیفیت ترجمه را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد، ولی در آنجا متوقف نمی‌شود و فزاتر از آن بنیان‌های تأثیرگذار در تبلور متن را شناسایی می‌کند و باعث غنای آن‌ها می‌شود. از این رو، شناختی که به‌دست می‌آید مرهون و نتیجهٔ بررسی متن ترجمه است و بدون آن نمی‌تواند حاصل شود. سه نمونهٔ ارائه‌شده هر یک حاصل پژوهشی دیرینه‌شناسی است که در اینجا نمی‌توان گنجانده، ولی با این حال از باب ضرورت، یکی از آن‌ها را به‌طور کامل در ضمیمه می‌آوریم تا خوانندهٔ پیگیر را به‌طور عملی با چگونگی انجام آن بیشتر آشنا سازیم. همانطور که مشاهده می‌شود پاسخ سؤالات تحقیق طبق فرضیه‌های ما مبتنی بر ارتقای کیفیت بعد ترجمه‌شناختی، شناسایی عوامل اثرگذار بر ترجمه و تعمیق دوره‌های مربوطه نیز

به‌دست آمد، زیرا همانطور که در دیرینه‌شناسی ترجمه برادرزاده، رامو مطرح می‌شود، انتخاب این اثر برای ترجمه توسط احمد سمیعی گیلانی نشان‌دهنده شرایط سیاسی و اجتماعی خاص دوران چاپ کتاب است. دیدگاه ضد مذهبی حکومت پهلوی و سیاست‌های فرهنگی مؤسسه انتشاراتی فرانکلین انتخاب کتابی از فلاسفه عصر روشنایی و با روشنفکری را که خود با دین و مذهب سیر ستیزه دارد آشکار می‌سازد؛ دیدگاه یکی دیگر از سردمداران ادبیات و تفکر عصر روشنگری وارد فضای فرهنگی ایران می‌گردد. این کتاب ایدئولوژیک و دارای سمت و سوی فرهنگی اجتماعی و سیاسی است.

امکان فعالیت افرادی از قبیل احمد سمیعی گیلانی به رغم مبارزات سیاسی ضد نظام سیاستی بوده است که پهلوی دوم با زیرکی و هشیاری قابل توجهی اعمال می‌داشته است. فعالیت‌هایی که در نهایت در راستا و به سود حاکمیت وقت بوده است. در دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ ائتلافی نانوشته بین نیروهای چپ مخالف نظام و حاکمیت علیه مذهب وجود داشته است. امکان ترجمه و نشر کتابی هجوآمیز همچون برادرزاده رامو نیز در سال ۱۳۴۶ براساس همین تفکر عملی بوده است. چراکه نویسنده‌ای ضد مذهب همچون دیدر رمان‌هایی همچون راهبه^{۴۰} و ژاک قضا و قدری^{۴۱} را نیز در پرونده خود دارد. اثر تقبل مترجم جملات و عبارات طولانی با ترکیب‌های دشوار و ناملموس دشواری درک و فهم این اثر برای مخاطب هم‌عصر مترجم و همچنین مخاطب معاصر، حکایت از رویکرد مترجم در انتقال مفاهیم کتاب ولو یا ویرایش شخصی خود دارد و نه وفاداری به سبک ادبی نویسنده، زیرا متن برادرزاده رامو نسبتاً روان و کاملاً قابل فهم است. وجهی از ترجمه سمیعی گیلانی از یکسو نشان‌دهنده آتش زیر خاکستر تحولات اجتماعی، مبارزه با نظام سلطنتی و انقلابی است که متعاقباً در سال ۱۳۵۷ روی می‌دهد، ولی از سوی دیگر حکایت از اقتدار حکومتی دارد که بر اوضاع کاملاً مسلط است و وقوع تحولات و تغییرات اجتماعی را ممتنع می‌داند، چراکه برای این جنبه کتاب اهمیتی قائل نمی‌شود و با مساعدت در انتشار آن در پی معاضدت و بی اعتبار کردن دین و مذهب است.

در انتها باید اذعان داشت که طرح یک متدولوژی و ارائه روش‌شناسی تحلیلی در قالب یک مقاله امری بس دشوار می‌نماید و مجال و فضای بیشتری را می‌طلبد. از این رو رو ضمیمه‌ای مبسوط به این مقاله الحاق شد تا حدودی جبران این نقیصه به عمل آید تا چه در نظر آید و قبول افتد. بدیهی است که دیرینه‌شناسی ترجمه در آغاز راه، حرف‌های ناگفته بسیاری دارد که امید است در سایه حمایت‌ها و تشویق‌های سخاوتمندانه صاحب‌نظران و نیز پژوهش‌های آتی اندیشمندان حوزه‌های مربوطه شاهد آن باشیم.

۹. پی‌نوشت‌ها

1. L'archéologie de la traduction.
2. L'archéologie du savoir.
3. La réception.
4. L'école de Constance.
5. Pour une Critique des traductions.
6. Hors-texte
7. paratexte
8. Péritexte

۹. این ابهام تا بدانجاست که المیرا دادور در عنوان کتابش عبارت فارسی «دیرینه‌شناسی ترجمه»، معادل فرانسه Histoire de la traduction [«تاریخ ترجمه»] را قرار داده است. حال آنکه تفاوتی بین این دو وجود دارد: در حوزه تاریخ، پژوهشگر در جست‌وجوی منابع مکتوب است، ولی در حوزه دیرینه‌شناسی، آثار مادی برجای‌مانده مورد توجه قرار می‌گیرد (ژان پل تمول و سایرین، ص ۲۰) که با تحلیل آن‌ها رفتارهای انسانی ادوار مربوطه آشکار می‌شود (برایان ف. فگان، ص. ۶۴). به قول فوکو دیرینه‌شناسی عهده‌دار توصیف رخدادهای گفتمانی است (فوکو، ۱۹۶۹، ص ۱۱۵).

10. Michel Foucault
11. Norman Fairclough
12. Saussure
13. Derrida
14. Barthes
15. Van Leeuwen
16. Kristeva
17. Bénédicte Zimmermann
18. Michael Werner
19. Histoire croisée
20. <http://www.larousse.fr/encyclopedie>
21. Michel Foucault
22. La réception.
23. L'école de Constance.
24. Synchronie
25. Diachronie
26. Wolfgang Iser
27. Hans Robert Jauss
28. Esthétique de la réception
29. Hans Georges Gadamer
30. Ingarden
31. Heidegger

32. Horizon d'attente
33. Lecteur implicite
34. Husserl
35. <http://litterature.ens-lyon.fr/litterature/dossiers/theories-litteraires/reception/h-r-jauss-esthetique-de-la-reception>
36. <http://litterature.ens-lyon.fr/litterature/dossiers/theories-litteraires/reception/iser>
37. Effet/réception
38. Message/signification
39. Théorie de l'effet esthétique
40. La Religieuse.
41. Jacques le fataliste.

۱۰. منابع

- اسکندری، م. ط. (۱۳۷۷). سه تفنگدار (نسخه خطی). تهران: کتابخانه ملی ایران.
- دادور، ا. (۱۳۸۹). دیرینه‌شناسی ترجمه میان ایران و فرانسه. تهران: سمت.
- کجویان، ح. (بی‌تا). فوکو و دیرینه‌شناسی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قشمی، ک. (۱۳۸۰). تاریخچه ترجمه زبان فرانسه در ایران و مروری بر علم ترجمه و تحولات آن. تهران: نشر حکایت.
- قهرمانی، م. (۱۳۹۳). ترجمه و تحلیل انتقادی گفتمان: رویکرد نشانه‌شناختی (ویراست دوم). تهران: نشر علم.
- نقیبی، پ. (۱۳۴۹). پایون. تهران: نشر کتاب‌های پرستو (وابسته به انتشارات امیرکبیر).
- نظامی‌زاده، م. (۱۳۹۳). دیرینه‌شناسی ترجمه و نقش آن در فرایند جهانی شدن. ماهنامه جهان آینده، ۴۰.
- نوایی، د. (۱۳۸۸). تاریخچه ترجمه فرانسه به فارسی در ایران از آغاز تاکنون. تهران: انتشارات شهید باهنر.
- همشهری آنلاین (تاریخ نامشخص). فرهنگ ادبیات. بازیابی از [آدرس وبسایت]

References

- Berman, A. (1995). *Pour une critique des traductions: John Donne*. Gallimard.
- Bouvet, R. (1995). Antoine Berman, *Pour une critique des traductions: John Donne*. *SURFACES*, 4.
- Charrière, H. (1969). *Papillon*. Robert Laffont.
- Cortés, J. (1991). *Analyse sémiotique du discours, de l'énoncé à l'énonciation*. HACHETTE Supérieur.
- Dadvar, I. (2010). *Archaeology of translation (between Iran and France)*. SAMT Publications. (Original work published 1389 SH) [In Persian].
- Demoule, J.-P., Giligny, F., Lehœrff, A., & Schnapp, A. (2009). *Guide des méthodes de l'archéologie* (3e éd.). La Découverte.
- Diderot, D. (1891). *Le Neveu de Rameau*. Plon.
- Dumas, A. (1991). *Les trois mousquetaires* (Tomes I-III). Robert Laffont.
- Eskandari, M. T. M. (1277 AH). *The three musketeers* [Manuscript]. National Library of Iran (Qajar period). [In Persian].
- Fagan, B. M. (1387/2008). *In the beginning: An introduction to archaeology* (Gh. A. Shamiou, Trans.; Vol. 1). SAMT.
- Foucault, M. (1969). *L'archéologie du savoir*. Gallimard.
- Foucault, M. (1969). *The archaeology of knowledge*. Gallimard.
- Foucault, M. (1980). *Power/knowledge: Selected interviews and other writings* (C. Gordon, Ed.). Pantheon.
- Foucault, M. (1981). The order of discourse. In R. Young (Ed.), *Untying the text* (pp. 48-79). Routledge.
- Foucault, M. (1984). *The Foucault reader* (P. Rabinow, Ed.). Pantheon.
- Genette, G. (1982). *Palimpsestes: La littérature au second degré*. Le Seuil.
- Ghahremani, M. (2014). *Translation and critical discourse analysis: A semiotic approach* (2nd ed.). Elm Publishing. (Original work published 1393 SH) [In Persian].

- Ghasemi, K. (2001). *The history of French-to-Persian translation in Iran and an overview of translation studies and its developments*. Hekayat Publishing. (Original work published 1380 SH) [In Persian].
- Heidenreich, R. (1989). La problématique du lecteur et de la réception. *Cahiers de recherche sociologique*, (۱۲).
- Henrot Sostero, G. (2020). *Archéologie(s) de la traduction*. Classiques Garnier. [In French].
- Henrot Sostero, G. (2020). *Archéologie(s) de la traduction*. Garnier.
- Iser, W. (1976). *L'acte de lecture: Théorie de l'effet esthétique* (E. Sznycer, Trans.). Mardaga.
- Iser, W. (1982). *L'acte de lecture*. Mardaga.
- Jauss, H. R. (1972). *Pour une esthétique de la réception* (C. Millard, Trans.). Gallimard.
- Jauss, H. R. (1988). *Pour une herméneutique littéraire*.
- Kachouian, H. (n.d.). Review and critical analysis of the book “Foucault and archaeology”. *Hamshahri Online – Literature and Culture Section*. University of Tehran Press. [In Persian].
- Laroche, J. (2003). *L'archéologie chez Michel Foucault*. Master's thesis, Université du Québec à Montréal.
- Pigay-Gros, N. (2002). *Le lecteur*. Flammarion.
- Naghibi, P. (1970). *Papillon*. Parastoo Books (Affiliated with Amir Kabir Publications). (Original work published 1349 SH) [In Persian].
- Navabi, D. (2009). *A history of French-to-Persian translation in Iran from its beginnings to the present*. Shahid Bahonar University Press. (Original work published 1388 SH) [In Persian].
- Nezamizadeh, M. (1993). Archaeology of translation and its role in the process of globalization. *Jahān-e Āyandeh (Future World Monthly)*, (43). [In Persian].

Sources Internet

Larousse encyclopedia. (n.d.). Retrieved from <http://www.larousse.fr/encyclopedia>

- ENS Lyon – Littérature et théorie de la réception: Wolfgang Iser. (n.d.). Retrieved from <http://litterature.ens-lyon.fr/litterature/dossiers/theories-litteraires/reception/iser>
- ENS Lyon – Théorie de la réception: Hans Robert Jauss. (n.d.). Retrieved from <http://litterature.ens-lyon.fr/litterature/dossiers/theories-litteraires/reception/h-r-jauss-esthetique-de-la-reception>